



بررسی و نقد عباس آخوندی از برنامه‌های توسعه ایران در جلسه شورای سیاست‌گذاری حزب ندای ایرانیان

توسعه از سیستم بسته حاصل نمی‌شود

احسان اسحاقی: سیاست‌های کلی برنامه هفتم توسعه در شرایطی ابلاغ شد که نقد‌های فراوانی درباره برنامه ششم توسعه منتشر شده است.

یکی از اشخاصی که همواره درباره برنامه‌های توسعه نقدهایی داشته، عباس آخوندی است. او سال‌هاست دغدغه توسعه دارد. حزب ندای ایرانیان پس از ابلاغ سیاست‌های کلی برنامه هفتم توسعه از آخوندی دعوت کرد تا ضمن نقد کردن برنامه‌های توسعه، سیاست‌های کلی توسعه را بررسی کند. آخوندی معتقد است: «سیاست‌مدار برای رسیدن به اهداف خود و حفظ قدرت، سیاست‌هایی را اعمال و در قالب یک برنامه آنها را محقق می‌کند».

نشانه‌ها، نشانه‌های خوبی نیست

عباس آخوندی، وزیر مسکن و شهرسازی دولت اول روحانی، در جلسه شورای سیاست‌گذاری حزب «ندای ایرانیان» درباره تحولات اخیر گفت: این روزها شرایطی بحرانی را پشت سر می‌گذاریم. امیدوارم بتوانیم از آن عبور کنیم و به صلح اجتماعی برسیم تا موقعیت رشد فراهم آید؛ چراکه نشانه‌ها، نشانه‌های خوبی نیست. آخوندی در این جلسه درباره تدوین برنامه هفتم توسعه با توجه به میزان موفقیت پایین برنامه‌های توسعه در دوره‌های قبل گفت: در مسئله سیاست‌گذاری ملی چه در قالب تدوین برنامه، سیاست‌بخشی و قانون یا هر مسئله دیگری، به طور کلی وارد بحث سیاست‌گذاری می‌شویم، با دو مسئله اصلی مواجهیم؛ یکی تکنیک، دانش و فن سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی و دیگری فرآیندی است که قدرت سیاست و برنامه مشخص را اتخاذ و اجرا می‌کند. فن سیاست‌گذاری، برنامه‌نویسی و تدوین استراتژی که به مهارت و دانش تبدیل شده است، ارزش خود را دارد. به طور مثال اگر من را برای خرید چرم و با ایرنیم به بازار تهران بفرستند، قطعا کلاه بر سرم می‌گذارند؛ زیرا هیچ دانش و مهارتی در خرید آن ندارم. حتی اگر پول نقد داشته باشم؛ بنابراین دانش سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی در جایگاه خود مهم است، در کنار سیاست‌گذاری عمومی که برنامه‌ریزی یکی از آنهاست، مهم است که چه کسی و در چه بستری و طی چه فرآیندی این کار را انجام می‌دهد و نتیجه چه خواهد شد. این همان جریان قدرت است. در هر صورت نمی‌توان از مسئله جریان قدرت که تصمیم‌گیری و اجرا بر عهده آن است، غافل شد.

برنامه‌نویسی درباره براساس سیستم بسته است

این فعال سیاسی افزود: در هر سیاست‌گذاری و برنامه‌ای، هیچ سیاست‌گذاری به دنبال بازنده‌بودن نیست. هرکسی که برنامه تصویب و ابلاغ می‌کند، به دنبال برنده‌بودن تیم خودش است. در نهایت اینکه برنامه باید از طرف «جران قدرت» پذیرفته شود؛ زیرا اگر برنامه از سوی جریان قدرت پذیرفته نشود، آن برنامه ابلاغ نمی‌شود و اگر ابلاغ شد، محقق نخواهد شد؛ بنابراین ما دو تصویر از برنامه داریم، یک تصویر و چشم‌انداز از منظر دانش برنامه‌نویسی و دیگری نگاه قدرت به برنامه. این دویکی نیست و ممکن است که در اجرا کمتر یا هم ارتباط پیدا کنند. این اصلی‌ترین دلیل تحقق پایین برنامه‌ها در ایران است. در ایران وقتی درباره برنامه بحث می‌شود، بیشتر از جنبه فناوری و دانش برنامه‌ریزی مسائل مورد کندوکاو قرار می‌گیرد. حال آنکه قدرت دستور کار دیگری در نظر دارد و نگاه او با نگاه برنامه‌نویسان فرسنگ‌ها فاصله دارد. به‌عنوان مثال کارشناس و برنامه‌نویسان در دولت روحانی که در سطح اقتصاد کلان و چه در سطح اقتصاد بخشی، برنامه‌ها را براساس تعامل فعال با دنیا و رفع خصومت بین‌المللی تدوین می‌کردند. استنادشان نیز این بود که در بند اول ابلاغیه اقتصاد مقاومتی آمده که اقتصاد باید «درون‌زا» و «برون‌نگر» باشد. با تکیه بر صفت برون‌نگری در پی یک اقتصاد باز به سمت تحولات بین‌المللی بودند. از این مجرا برنامه یک ارتباط وثیقی با سیاست خارجی پیدا می‌کرد. حال آنکه جریان قدرت در عمل، برای برون‌نگری هیچ وزن قائل نبود. حال وظیفه سیاست‌مدار عبوردادن برنامه توسعه و رشد اقتصادی ایران از این‌گرنده و این تعارض است. در همین زمینه، اساسا انتقاد بزرگی که به دولت روحانی داشتیم، این بود که دولما به‌عنوان یک مسئله سیاست‌مدار موظف بودید برجام را امضا کنید؛ زیرا این مسئله در دولت بعدی تمام نمی‌شود؛ زیرا آشکار بود که جریان قدرت در دولت بعدی اراده‌ای در فرجام‌بخشیدن به کار برجام ندارد. افزون بر این دانش و مهارت لازم برای به‌سرانجام‌رساندن مذاکره را ندارد؛ بنابراین هم فن و مهارت و هم آگاهی و نحوه تصمیم‌گیری جریان قدرت مهم است. به‌همین دلیل نمی‌توان یکی را فدای دیگری کرد.

آخوندی با اشاره به اینکه از نظر تکنیکی مدت‌هاست که جهان از مفهوم برنامه‌ریزی عبور کرده و بیشتر به سیاست‌گذاری پرداخته است، تاکید کرد: در محیط جهانی متغیرهایی پیش‌بینی‌ناپذیر وجود دارد. هرکسی که بخواهد برنامه‌ریزی کند، از همان روز اول شکست می‌خورد. در واقع برنامه‌ریزی برای نظام‌های بسته است؛ زیرا تصورش‌ناپذیر این است که دولدی و خروجی این سیستم به طور قابل کنترلی در اختیار خودشان است و هیچ‌گاه عوامل خارجی در نظر گرفته نمی‌شود؛ بنابراین دانش و مهارت لازم برای تدوین برنامه براساس سیستم بست در فضای کاملا در حال تغییر با برنامه‌ریزی در محیط بسته و قابل کنترل کاملا متفاوت است. سیستم بسته در تدوین برنامه کشورهای مدین جهان تقریبا وجود خارجی ندارد. این ضعف دوم نظام برنامه‌ریزی در ایران است که هنوز فرضیات برنامه براساس یک سیستم بسته است و برنامه‌نویسان به آن عادت و خو دارند. دانش و تجربه‌شان نیز در آن حول و حوش است و با برنامه‌نویسی در فضای متغیر چندان آشنا نیستند. برنامه‌نویسی در سیستم باز عمدتا بر سیاست‌گذاری و برنامه‌های عملیاتی کوتاه‌مدت‌تر و امکان دریافت بازخورد و تصحیح خطای مستمر در حین اجرای آن استوار است. حال آنکه برنامه‌های ایران پنج‌ساله است و عملا در طول زمان هیچ بازخوردی ندارد و هیچ تصحیحی صورت نمی‌گیرد.

اعتقادداشتن به اقتصاد صفت میزبه کل سیستم است

این فعال سیاسی با اشاره به اینکه به‌عنوان مثال انگلستان که یک سیاست توسعه‌ای دارد و براساس آن یک برنامه سه‌ساله مطابق مدل برنامه‌ریزی غلتان دارد، گفت: ما برنامه سه‌ساله این کشور چگونه است؟ به‌عنوان مثال اگر سال پایه برنامه را سال ۲۰۲۲ بگذاریم، در این مدل، برنامه باید برای تک‌رک دبدیف‌های درآمدی و هزینه‌ای برای سال

با دهان‌های باز از سوی دیگر صورت می‌گیرد. کسانی که به‌عنوان اقتصاددان می‌خواهند با قدرت‌گفت‌وگو کنند، خود منصوبان قدرت هستند؛ بنابراین در عمل گفت‌وگویی از سوی کنشگر اقتصادی و فعال سیاسی در ایران با دولت و قدرت صورت نمی‌گیرد. هم‌چنان‌که گفتن این نخست به دلیل فقدان احزاب است و دوم به دلیل ضعف و دانش و مهارت برنامه‌نویسان و سوم منافع سیاست‌مدار است. هرچند به‌ظاهر در ایران برنامه مسیری را برای تدوین طی می‌کند، اما به‌معنای واقعی همه این فرآیند در حیط خلوت دولت انجام می‌شود و در عمل فرآیندی طی نمی‌شود. در اندیشه سیاسی، فرق حکم‌روایی یا حکمرانی و همچنین تفاوت میان دولت مدرن و پیشامدرن، ضرورت توجه به فرآیند گفت‌وگو در امر سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی است. ازاین‌رو گفته می‌شود که حکم‌روایی به مثابه فرآیند است؛ یعنی فرآیندی طی می‌شود تا به مسئله یک سیاست تبدیل شود. آخوندی ادامه داد: در نظام برنامه‌ریزی ایران، برنامه به مثابه وضعیت است نه فرآیند. یعنی یک وضعیتی را می‌خواهند تحصیل کنند. در دو عکس، عکس اول می‌گوید ما الان اینجا هستیم و عکس دوم پنج سال دیگر را نشان می‌دهد و حکم می‌کند که پنج سال دیگر چگونه باید باشد. بدون توجه به مسیر و بدون توجه به فرآیند. این درست است که در تمام جهان کسی که تصمیم می‌گیرد، سیاست‌مدار است، برنامه‌ریز اقتصادی تصمیم‌گیر نیست و تصمیم‌گیر نهایی سیاست‌مدار است. چون آن کسی که در برابر مردم پاسخ‌گوست سیاست‌مدار است. درعین‌حال، فرض بر این است که سیاست‌مدار موظف به تد‌یادن به فرآیند است؛ بنابراین سیاست‌مدار از سیاست به برنامه عدول نمی‌کند. سیاست‌مدار در حد سیاست متوقف می‌شود و برنامه را در بدنه اجرایی دولت مورد اجرا قرار می‌دهد اما در اینجا سیاست‌مدار همه‌چیز را تعیین و جریان قدرت به‌شدت کنترل می‌کند که در کل این رهگذر هیچ مسئله‌ای از حلقه قدرت خارج نشود.

منابع برنامه صرف افزایش محبوبیت سیاست‌مدار می‌شود

این فعال سیاسی با بیان اینکه در عمل می‌بینیم که آخر کار یک نوع مشارکت ملی، عمومی و حرفه‌ای وجود ندارد، می‌گوید عمدتا برنامه‌ها شعاری و ناظر بر اجرای تعهدات و قول‌های وا‌هی رئیس‌جمهور در دوران انتخابات است. اهداف و اصول قانون اساسی هم اغلب محلی از اعراب ندارند. در این رهگذر، سیاست‌مدار تصمیم می‌گیرد و سعی می‌کند که منابع را به نحوی تخصیص دهد تا به افزایش محبوبیتش بینجامد. در واقع منابع عمومی برای کسب و افزایش محبوبیت سیاست‌مدار صرف می‌شود. از دهه ۵۰ یعنی برنامه ششم شاه تاکنون هیچ رئیس سازمان برنامه و بودجه صاحب سبک و اندیشه‌ای نتوانسته نه با شاه نه با رئیس‌جمهورهای بعد از انقلاب کنار بیاید. در نهایت اغلب به اختلاف و جدایی انجامیده است. گاهی موضوع از این هم فراتر رفته و رئیس‌جمهور از اساس سازمان برنامه و بودجه را منحل کرده است؛ مانند دولت نهم. شرط بقا در پست سازمان برنامه سازگاری حداکتری با قدرت است؛ بنابراین گاهی افرادی که این سمت منصوب می‌شوند که اساسا با مفهوم سیاست‌ملی آشنا نیستند. در این سیستم کسی که قدرت دارد، سیاست‌مدار است. او نیز سعی می‌کند تا عنصر بوروکراتیک و تکنوکراتیکی را که روبه‌روی اهدافش قرار می‌گیرد، حذف کند تا محبوبیتش را از طریق منابع بودجه‌ای کسب کند. او درنهایت کسی را می‌آورد که مطیعش باشد یا مطابق با اهداف و برنامه‌اش عمل کند. این نگاه کلی من به سیاست‌ها و فرآیندهای برنامه‌ریزی در ایران است.

برنامه‌توسعه در ایران با ساختار قدرت ارتباط مستقیم دارد

وزیر مسکن و شهرسازی اسبق با اشاره به اینکه برنامه یعنی سیاست قدرت و چیزی غیر از این نیست، تاکید کرد: سیاست‌مدار برای اعمال و رسیدن به اهداف و ادامه حفظ قدرت سیاست‌هایی را اعمال و در قالب یک برنامه آن را محقق می‌کند؛ بنابراین برنامه یک ارتباط مستقیم با ساختار و شکل قدرت دارد. قطعا همه ما دوست داریم به دلایلی که این مسئله نپردازیم اما نمی‌شود زیرا برنامه را دانشگاهی‌ها و انجمن‌های حرفه‌ای هم نمی‌نویسند بلکه توسط جریان قدرت نوشته و اجرا می‌شود. بنابراین نکته مهم این است که قدرت چگونه به جامعه نگاه می‌کند و کنشگران اجتماعی و اقتصادی چگونه به گفت‌وگو با قدرت می‌پردازند. این نکته مهمی از منظر تئوریک است. توجه داشته باشیم که میان سیاست‌گذاری و برنامه‌نویسی تفاوت بسیار است. برای مثال، سیاستی در دهه ۸۰ میلادی و دهه ۶۰ هجری تحت عنوان سیاست خصوصی‌سازی در جهان اعلام شد.

این یک سیاست مشخص بود.

این برنامه نبود، ولی در ایران، سیاست خصوصی‌سازی ذیل برنامه‌های توسعه از برنامه اول تا سال ۱۳۸۵ آمد. پس از آن هم به صورت برنامه به آن نگاه شد. درواقع خصوصی‌سازی در ایران سیاست نبود، بلکه یک روش دفع شر بنگاه‌های ناکارآمد از یک سوی و ریه کار کسب درآمد برای دولت بود. اساسا تغییر سیاست برای افزایش کارایی ملی و رشد اقتصادی در میان نبود.

آخوندی اضافه کرد: این دو سیاست بسیار متفاوت هستند. تفاوت میان برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری فراوان است. برنامه ابزاری برای کمی‌سازی رسیدن به اهدافی است که در اجرای یک سیاست مشخص معین شده‌اند؛ اما سیاست ناظر بر اهداف توسعه ملی، افزایش رقابت‌پذیری اقتصاد ملی در جهان، رشد و افزایش بهره‌وری است. درست است که در آغاز هر برنامه‌ای کسری سیاست اعلام می‌شود، ولی نه سیاست‌ها کیفیت سیاست‌گذاری ملی را دارند و نه برنامه‌ها رابطه‌ای با سیاست‌های اعلامی برقرار می‌کنند. سیاست‌ها فاقد کیفیت سیاست‌گذاری ملی هستند؛ چون در مراحل تدوین و ابلاغ آنها هیچ گفت‌وگویی میان بخش اقتصاد و سیاست، خوبانید قدرت، صورت نمی‌گیرد؛ بنابراین سیاست‌گذاری مستقل در فرآیند گفت‌وگو صورت می‌پذیرد. برنامه‌ها نیز متناسب با میزان مهارت و اهداف سیاسی کسانی است که دولت را شکل داده‌اند. آنها نیز مستقل از سیاست‌های ابلاغی در پی بیشینه‌کردن منافع سیاسی خود از رهگذر تخصیص منابع عمومی به پروژه‌های مدنظرشان هستند. از این‌رو است که دیده می‌شود میزان موفقیت برنامه‌ها اغلب در حدود ۳۰ درصد است. معمولا در دوره هر دولتی که به قدرت می‌رسد، یک برنامه به اتمام می‌رسد. این فرصتی است که دولت قبلی به باد انتقاد گرفته شود. حال نوبت جایگزینی شعارهای جدید با شعارهای قبلی است و روز از نو روزی از نو و این چرخه باطل همچنان ادامه می‌یابد.

ایران همواره به دنبال دفع شر در خصوصی‌سازی بوده است

وزیر مسکن و شهرسازی با اشاره به اینکه برنامه و سیاست محصول قدرت است، به سه نمونه در رابطه قدرت با سیاست خصوصی‌سازی اشاره و بیان کرد: یک نمونه، خانم تاجر در سال ۱۹۸۵ گفت ما در انگلستان به این نتیجه رسیدیم که ادامه سیاست‌گذاری اقتصاد سوسیالیستی توسط دولت رفاه امکان‌پذیر نیست و با بحران اقتصاد رفاه مواجه هستیم و لازمه این کار یک خصوصی‌سازی گسترده است که اساسا سیاست، منطق و معیارهای بازار را بپذیریم. به این مفهوم درواقع به هر خدمتی که می‌خواهیم منابعی اختصاص دهیم، ارزش بازاری آن را در نظر بگیریم. بنابراین، در بریتانیا قدرت سیاسی آگاهانه سیاست اقتصادی جدیدی را اتخاذ کرد و ساختار اقتصاد را تغییر داد. در این مدل برای انجام اصلاحات اقتصادی، نتهت‌ها قدرت سیاسی متلاشی‌شد، بلکه خود داوطلب تغییر ساختار اقتصادی شد. مدل دوم خصوصی‌سازی در جهان، مدل روسیه است؛ یعنی قدرت در برابر اصلاحات اقتصادی و فهم واقعیت خارجی آن قدر مقاومت کرد تا شکسته شد و نتیجه آن نیز شکل‌گیری الیکارشی فاسد روسی است که ازجمله فاسدترین و قدرتمندترین الیکارشی‌های جهان است که دست در دست قدرت روسی دارد. بنابراین معروف به فاسدترین خصوصی‌سازی در جهان است. مدل سوم هم چین است و هند است. در روسیه برای اعمال اصلاحات اقتصادی، قدرت سیاسی متلاشی‌شد، اما در هند و چین چه اتفاقی افتاد؟ این دو کشور هم به نحوی مدل بریتانیا را اتخاذ کردند و با تغییر سیاست، سیاست‌های جدید را اعمال کردند. اگرچه مدل چین یک مدل صد درصد کمونیستی است و بحث‌شان این نیست که به سمت اقتصاد بازار پیش رفتند، اما برای خود مدلی تعریف کردند که بر اساس آن بدون متلاشی‌شدن قدرت، اصلاحات اقتصادی دهمفند را اجرا کنند و به رغم پیامدهایش، هیچ‌گاه از آن عدول نکردند. چینی‌ها حزب کمونیست چین را منحل نکردند و ساختار قدرت سیاسی همان ساختار قبلی است؛ بااین‌حال، قدرت فهمید که برای حفظ خود نیاز به تغییر سیاست دارد. هرچند سیاست اتخاذی با اصول تعالیم مارکسیستی مغایرت دارد، اما آنها با اتخاذ نوعی سیاست توسعه اقتصادی مبتنی بر سازمان‌های نظامی و وابسته به دولت و تغییر کلی در نحوه روبروایی با جهان و پذیرش اصل ضرورت افزایش توان رقابت‌پذیری چین در سطح جهان، تمام برنامه‌های عملیاتی خود را تغییر دادند. خصوصی‌سازی چینی به‌طورکلی با مفهوم خصوصی‌سازی غربی و گسترش حقوق مالکیت متفاوت است. به همین منوال، هندیان که مروج سیاست خودکفایی با روش سوسیالیستی و گسترش مالکیت عمومی بودند، با حفظ نظام سیاسی خود، اصل پیوستن به اقتصاد جهانی را پذیرفتند و درهای هند را برای ورود سرمایه باز کردند و کام به کام از گسترش مالکیت عمومی فاصله گرفتند.این فعال سیاسی اضافه کرد: در ایران از برنامه اول تاکنون، تقریبا در همه برنامه‌ها، به ضرورت خصوصی‌سازی اشاره شده؛ بااین‌حال، جالب است ببینیم که سیاست‌تخاذی در ایران مشابه کدام‌یک از سه روش پیش‌گفته است؟ آیا مشابه مدل حزب محافظه‌کار بریتانیاست؟ خیر؛ زیرا اساسا هیچ تغییری در قوانین و سیاست‌گذاری در بحث آزادسازی اقتصاد، لغو قیمت‌گذاری و عدول از اجرای تعزیرات حکومتی نداشته‌ایم. طرفه‌ای اینکه با وجود این، همچنان از خصوصی‌سازی سخن می‌گوییم. خصوصی‌سازی ایران مانند مدل روسیه هم نیست؛ چون خوشبختانه ساختار قدرت فرورنویخته است وگرنه وضعیت عجیبی در اقتصاد رخ می‌داد. هرچند الیکارشی‌های متعددی نیز در ایران از این رهگذر شکل گرفته‌اند، اما نه در قیمت فروداشی ساختار قدرت. آیا مدل چینی است؟ خیر؛ چون هدف اصلی در تغییر رویکرد چین به بخش خصوصی، چه داخلی و چه خارجی و نحوه سازماندهی بنگاه‌های وابسته به نهادهای نظامی‌اش، افزایش قدرت رقابت‌پذیری اقتصادی چین در جهان بود. حال آنکه ما در پی سیاست خودکفایی هستیم که صد درصد مغایر سیاست چینی‌هاست. حال سؤال این است که چه مدلی در ایران به کار بسته شد؟ ایران در ابتدا به دنبال سیاست دفع شر بنگاه‌های ورشکسته در فرآیند خصوصی‌سازی رفت و سپس به واگذاری بنگاه‌ها به‌طور عمده به نهادهای عمومی تحت امر دولت و نیروهای نظامی گرایش پیدا کرد. بنابراین، هیچ‌گاه بحث مفهوم سیاست‌گذاری و رشد نبود.

سیاست‌ها در ایران کریدروهای تجارت را بسته است

آخوندی در پاسخ به این پرسش که حزب چه کاری می‌تواند انجام دهد، گفت: نخست پایگاه خود را مشخص کند؛ آیا حزب می‌خواهد سخنگوی اتحادیه کارگری باشد یا اینکه می‌خواهد جریان‌های سرمایه‌گذاری و کارآفرینی را نمایندگی کند؟ من با طبقه متوسط موفق هستم، اما طبقه متوسط را در اطراف مرکز باید به چپ و راست تقسیم کرد. توسل به عنوان طبقه متوسط، بدون تعیین جهت‌گیری روشن، تنها موجب افزایش هرج‌ومرج در عالم سیاست حزبی می‌شود. اگر هرکدام از این دو را برای نمایندگی بپذیریم، باید نخست مسئله نمایندگی را تثبیت کرد و سپس وارد مذاکره با قدرت شد. برای مذاکره با قدرت هم باید حرف روشن زد. برای مثال در رابطه با تدوین برنامه بگویم با موافق تعیین مکانیسم قیمت از سوی دولت هستیم یا نه؛ اگر هم نسبتیم باید بگویم که ما از جریان قدرت می‌خواهیم که کل تعزیرات حکومتی و کل سازمان‌های حمایت از تولیدکننده و مصرف‌کننده حذف شود. همین‌طور بگویند در توسعه معتقد به یک سیستم باز هستیم یا نه؟ اگر معتقد به سیستم باز هستیم، باید توسعه در ایران به‌نانهٔ تجارت مطرح شود نه توسعه به‌نانهٔ خودکفایی؛ زیرا ایران ششوری نیست که در یک گوشه‌ای از جهان باشد، بلکه وسط چهارراه است. در جایی که ترافیک و تردد به اطراف جریان پیدا می‌کند، وظیفه اصلی دولت توسعه‌گرا بازنگه‌داشتن جریان تردد و تجارت است، درحالی‌که اعمال برخی سیاست‌ها در ایران کریدروها را بسته و هیچ‌کس هم حق تردد ندارد. از چنین کشوری، توسعه درنمی‌آید.

این فعال سیاسی در پاسخ به این سؤال که احزاب در رابطه با برنامه توسعه هفتم چه کمکی می‌توانند انجام دهند، بیان کرد: وقتی می‌گوییم خصوصی‌سازی، یعنی رقابت منصفانه. آیا اساسا کسی می‌تواند با ستاد اجرایی فرمان امام و قرارگاه خاتم‌الانبیا رقابت کند؟ بنابراین برای مسئله برنامه توسعه که سیاست قدرت است، سیاست بسیار روشنی را باید اتخاذ کرد. در غیر این صورت اگر به دنبال سیاست تکنیکی و تکیه بر ارقام کمی برویم، نتیجه نهایی که در قالب یک برنامه خواهد بود، چیزی جز فهرست آرزوها و خواب و خیال نیست.

	آگهی مناقصه عمومی یک مرحله ای ۱۴۰۱/۲۰/۱۴ دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی مازندران	
دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی مازندران	دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی مازندران	دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی مازندران
تدارکات الکترونیکی دولت نسبت نسبت به خرید بیمه نامه های تکمیلی درمان کارکنان و افراد تحت تکفل، مسئولیت مدنی رؤسا و مدیران بیمارستانها و مراکز آموزشی درمانی و سایر مسئولیت ها، ثالث و بدنه خودروهای دولتی و حوادث اموال و ابنیه ستاد مرکزی و واحد های تابعه به بخش غیر دولتی اقدام نماید. از متقاضیان واجد شرایط جهت دریافت اسناد و تحویل پیشنهاد طبق برنامه زمان بندی ذیل دعوت بعمل می آید.	مهلت دریافت اسناد: از تاریخ ۱۴۰۱/۰۷/۱۰ لغایت ۱۴۰۱/۰۷/۱۶	مهلت تحویل پیشنهاد: ۱۴۰۱/۰۷/۲۶
مبلغ تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار: به شرح مندرج در اسناد مناقصه به صورت نقدی واریز به شماره حساب ۲۷۲۷۹۰۴۸۵ نزد بانک رفاه یا ضمانت نامه بانکی معتبر که مدت اعتبار سررسید ضمانتنامه بانکی باید حداقل سه ماه پس از تاریخ یشهاد قیمت باشد.	مهلت گشایش پیشنهادها: ۱۴۰۱/۰۷/۲۷	مهلت تحویل اسناد و تحویل پیشنهادات: سامانه تدارکات الکترونیکی دولت(ستاد) به آدرس WWW.SETADIRAN.IR . در ضمن به پیشنهاد های واصله خارج از درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت ترتیب اشر داده نخواهد شد.
اداره مناقصات و قراردادهای دانشگاه با شماره تلفن ۰۱۱-۳۳۰۴۴۱۰۹ آماده پاسخگویی به سوالات می باشد.		